



زهد اسلامی در بطن روابط اجتماعی قرار دارد/ توصیف زندگی خوب از نظر قرآن

آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد ضمن اشاره به تفاوت زهد و رهبانیت بر این باور است که؛ آدم زاهد کسی است که از عهده مسئولیت اجتماعی برآید و از آن فرار نکند.

آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد ضمن اشاره به تفاوت زهد و رهبانیت بر این باور است که؛ آدم زاهد کسی است که از عهده مسئولیت اجتماعی برآید و از آن فرار نکند.

به گزارش ایکننا، جلسه تفسیر قرآن در حکمت متعالیه با حضور آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، عضو فرهنگستان علوم، عصر امروز ۲۲ آذرماه در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

گزیده متن جلسه را در ادامه می‌خوانید؛

خواجه طوسی برای بحث زهد از آیه «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِثَنَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقٌ رَّبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» شروع کرده است. هفته گذشته مباحثی در این زمینه عرض کردم ولی چون بحث کامل نشد در نظر دارم باز هم اندکی پیرامون آن صحبت کنم. گفته بودم اگر واقعا زهد درست معنا نشود ممکن است نتیجه آن نتیجه معکوس باشد. زهد هم در سیر و سلوک آمده است و هم در اخلاق، اما نهادی است که اگر درست تفسیر نشود، اثر تربیتی سوء دارد. به دنبال بحث قبل، در قرآن مجید یک آیه دیگری است که عرفا به پیروی از حضرت امیرالمومنین(ع) گفتند این آیه تفسیر زهد است و اگر کسی بخواهد زهد را معنا کند باید این آیه را بفهمد.

تفاوت زهد و رهبانیت

امیرالمومنین(ع) این مطلب را در حکمت ۴۳۱ نهج البلاغه بیان فرمودند: «الرَّهْدُ كَلْمَةٌ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ»، یعنی زهد مفهومی میان دو کلمه قرآن مجید است که این دو کلام بیانگر مفهوم زهد است. آن دو کلام این است: «لِيَكُنَّا تَأْسُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». معنای این جمله این است که برای آنچه از مادیات دنیا از شما فوت می‌شود متأسف نشوید و برای آنچه خدا به شما می‌دهد شاد نشوید. این آیه شریفه پیام بسیار مهمی دارد. آن پیام این است که اگر آدمی مادیات جهان را کمال مطلوب نداند یا اصلا مطلوب نداند، نه از آمدنش شادمان می‌شود و نه از رفتنش تأسف می‌خورد.

اینکه در آغاز درس گفتم زهد مفهومی است که اگر درست معنا نشود خطرناک می‌شود به خاطر این است که یک نهادی در مسیحیت به تعبیر قرآن ابداع شد، یعنی جزء آیین رسمی و دینی مسیح نبود اما خود مردم مسیحی آن را ابداع کردند و بر خودشان واجب کردند، عنوان آن نهاد رهبانیت بود. رهبانیت یعنی ترک دنیا. اگر زهد درست معنا نشود با رهبانیت خلط می‌شود و افراد همان چیزی که در مسیحیت بدعت گذاری شد و قرآن در سوره حدید می‌فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَابِئِهَا» را با زهد اشتباه می‌گیرند.

تفاوت زهد و رهبانیت

حالا ببینیم فرق زهد با آن چیست. در رهبانیت اینطور است که نگاه به دنیا نگاه بدبینانه است در حالی که در آموزه های اسلامی، نگاه به دنیا نگاه خوشبینانه است، نه بدبینانه. رهبانیت به معنی بریدن از مردم و رو آوردن به عبادت است. به تعبیر دیگر، از نظر رهبانیت مسیحی، دنیا و آخرت از یکدیگر جداست. رهبانیت در ارتدوکس مسیحی دنیا را از آخرت جدا می‌کند و دنیا و آخرت در نظر آنها دو نوع امر بیگانه از هم بود و هر انسانی باید یکی را انتخاب می‌کرد. اگر به عبادت و ریاضت می‌پرداخت، در جهان آخرت به کارش می‌آمد و اگر متوجه زندگی این دنیا بود، این دنیا به کارش می‌آمد. رهبانیت بر ضد زندگی و جامعه‌گرایی بود. رهبانیت مستلزم کناره‌گیری از خلق و بریدن از مردم بود اما زهد اسلامی در عین اینکه مستلزم انتخاب زندگی ساده و بی‌تکلف است ولی در متن زندگی است، در بطن روابط اجتماعی قرار دارد، در عین جامعه‌گرایی است.

آدم زاهد کسی است که از عهده مسئولیت اجتماعی برآید و از مسئولیت اجتماعی فرار نکند. فلسفه زهد در اسلام چیزی نیست که رهبانیت را به وجود آورده است. در اسلام مسئله جدا بودن این جهان و آن جهان مطرح نیست. نه خود آن جهان از این جهان بیگانه است و نه کار این جهان و آن جهان، از هم جدا است. یک روایتی است که در متون روایی ما آمده است؛ این جمله از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است و خیلی معنا می‌دهد. همه شما این جمله را از حفظ هستید ولی شاید درباره آن فکر نکردید. جمله این است: «الدنيا مزرعة الاخرة». این جمله آنقدر اهمیت دارد که مرحوم شهید ثانی که از مفاخر اسلام است، رساله‌ای

در شرح این حدیث نوشته است. خوشبختانه این رساله به فارسی ترجمه شده است. معنای حدیث این است که راه آخرت از دنیا عبور می کند. به عبارت دیگر، اولاً آخرت از دنیا جدا نیست، ثانیاً برای رسیدن به آخرت خوب باید از دنیای خوب گذشت. شخصی آخرت خوب دارد که دنیای خوب دارد ولی دنیا را نه برای دنیا ولی برای آخرت بخواهد. زندگی خوب از نظر قرآن

دنیای خوب از نظر قرآن چیست؟ خداوند در سوره کهف می فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ تَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا». صدر آیه مقدمه ذیل آیه است. می فرماید مال و فرزند زیور حیات دنیا است، یعنی زندگی انسانی را زیبا و شیرین می کند ولی اعمال شایسته ماندنی در نزد پروردگار، پاداش بهتری دارد و امیدبخش تر است. شاید سوال کنید ربط جمله دوم با جمله اول چیست؟ اعمال شایسته ماندنی چه ربطی به جمله اول دارد؟ به نظر می رسد ارتباطشان این است که مال و فرزند برای بشر مایه امید است. انسان به مال امیدوار می شود، به فرزند امیدوار می شود؛ مال و فرزند برای آدمی ثمره زندگی است. قرآن مجید به نوعی این مطلب را تایید می کند ولی می فرماید ماندنی های شایسته نزد خداوند پرمترتر و امیدبخش تر است. این جمله یعنی چه؟ یعنی مال و فرزند می تواند ماندنی باشد می تواند نمادنی باشد. مال و فرزند ماندنی آنی است که هم در این دنیا به درد می خورد و هم در آن دنیا به درد می خورد. مال نمادنی مالی است که موجب فساد و افساد است.

از نظر الهیاتی مال نمادنی، مالی است که دارنده آن مال منشأ مال را توانایی های خودش بداند و بگوید اینها را خودم به دست آوردم، مثل اموال قارون. قارون یکی از عموزاده های حضرت موسی بود. مردم به قارون گفتند سرمستی نکن، خدا سرمستی کنندگان را دوست ندارد: «إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ». پاسخ قارون این بود: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي». در نهایت خداوند بر او غضب کرد و او را مبتلا به فقر و بدبختی کرد. این مال ماندنی نیست، نمادنی است. مال ماندنی شایسته آن اموالی است که می شود با آن به خدا قرض الحسنه داد. قرض الحسنه به خدا چگونه است؟ در راه خدا انفاق کردن و بدون تظاهر به دیگران کمک کردن. «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ». پس مال ماندنی مالی است که انسان به خدا قرض می دهد.